

■ تأثیرات جنگ جهانی دوم در بروز بحران مواد غذایی در آذربایجان

(۱۳۳۰ تا ۱۳۳۴ شمسی)

باقرعلی عادلفر | محسن پرویش | فریده فرزی

■ چکیده

جنگ جهانی دوم تبعات فراوانی داشت که گریبان‌گیر کشور ایران نیز شد. مهم‌ترین مسئله در آن زمان کمبود غله بود که اشغال کشور به وسیله متفقین و احتکار گندم به وسیله محترکین را می‌توان از عوامل اصلی آن برشمرد. این عوامل سبب شد تا مردم از لحاظ وضعیت اجتماعی دچار بحران شوند. در این بین آذربایجان با توجه به دلیل اینکه به وسیله قوای شوروی اشغال شده بود وضعیت سخت‌تری داشت. هدف مقاله حاضر بررسی تأثیر اجتماعی بحران نان بر زندگی روزمره مردم آذربایجان است و در این راستا به سؤال‌های زیر پاسخ می‌دهد؟

۱. پیامدهای اشغال آذربایجان چه تأثیری بر بحران نان در محدوده زمانی مدنظر گذاشته بود؟

۲. کمبود نان و غله چه نقشی در زندگی اجتماعی مردم داشت؟

هدف: هدف پژوهش بررسی تأثیرات جنگ جهانی دوم بر بحران مواد غذایی در آذربایجان است. همچنین واکاوی نقش فرقه دموکرات آذربایجان و تأثیر آن بر بحران غله و نان هدف دیگر این پژوهش است.

روش و رویکرد: در این مقاله با تکیه بر اسناد و منابع تاریخی و روش توصیفی-تحلیلی به بررسی موضوع پرداخته می‌شود.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نویسندگان مقاله بعد از بررسی اسناد و منابع تاریخی به این نتیجه رسیدند که حضور نیروهای متفقین و ارسال گندم منطقه آذربایجان به نقاط دیگر موجب کمبود و قحطی مواد غذایی در آذربایجان شده بود. همچنین با استقرار مسلحانه فرقه دموکرات در آذربایجان بسیاری از ارباب‌ها کشته یا از روستاها متواری شدند و نظم و نسق کشت و زرع در روستاها به هم ریخت و بسیاری از مالکان روستاها دیگر به آذربایجان بازنگشتند و بعد از قحطی بسیاری از کشاورزان به عضویت قوای فرقه دموکرات درآمدند و عملاً کار کشاورزی در آذربایجان معطل ماند.

کلیدواژه‌ها

بحران نان، قحطی، جنگ جهانی دوم، وضعیت اجتماعی، آذربایجان

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و هفتم، دفتر دوم، (تابستان ۱۳۹۶)، ۶۸-۵۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۳

تأثیرات جنگ جهانی دوم در بروز بحران مواد غذایی در آذربایجان (۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ شمسی)

باقرعلی عادلفر^۱ | محسن پرویش^۲ | فریده فرزی^۳

مقدمه

کشیده شدن دامنه جنگ جهانی دوم به ایران و ورود نیروهای متفقین در سحرگاه سوم شهریور ۱۳۲۰ (۲۵ اوت ۱۹۴۱) به کشور، گذشته از پیامدهای سیاسی و اقتصادی، آثار و نتایج سوئی در امور اجتماعی ایران باقی گذاشت و مردم با سختی‌های بسیاری همچون ناامنی، قحطی و شیوع بیماری‌های مختلف روبه‌رو شدند. در این زمان حضور نیروهای بیگانه و اسرای جنگی، بر نابسامانی اوضاع می‌افزود، ضمن آنکه فرصت مناسبی برای افراد سودجوی داخلی فراهم می‌شد، تا با سوءاستفاده از شرایط موجود، موقعیت خود را مستحکم کنند. در این بین بیشترین فشار به طبقات فرودست و افراد بی‌بضاعت جامعه همانند کشاورزان و کارگران، وارد می‌آمد و آن‌ها در شرایطی به مراتب بدتر از قبل از جنگ به سر می‌بردند. این پژوهش می‌کوشد وضعیت مردم و جامعه آذربایجان را در طول سال‌های جنگ جهانی دوم بررسی و پیامدهای اجتماعی ناشی از جنگ را بیان کند.

در زمینه موضوع مقاله حاضر مطالب گسترده ولی پراکنده‌ای در منابع اصلی یا بعضی تحقیقات اخیر وجود دارد؛ ولی پژوهشی منسجم و مستقل مبتنی بر بررسی تأثیرات جنگ جهانی دوم در بروز بحران مواد غذایی در آذربایجان انجام نشده است. فقط تورج اتابکی در کتاب آذربایجان در ایران معاصر به گوشه‌هایی از اشغال آذربایجان در جنگ جهانی دوم پرداخته است. همچنین در خاطرات آیت‌الله مجتهدی و خاطرات نصرت جهانشاهلو هم می‌توان درباره فرقه دموکرات آذربایجان اطلاعات خوبی به دست آورد. وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های دیگر استفاده از روزنامه‌ها و اسناد نویافته است.

۱. دانشیار تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین
b.adefar@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین
Mohsen.parvish@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین
Farzi.farideh@yahoo.com



اوضاع عمومی کشور در جنگ جهانی

با شروع جنگ جهانی دوم ایران نیز از شعله‌های این جنگ بی‌نصیب نماند و دو سال بعد، یعنی در شهریور ۱۳۲۰ متفقین آن را اشغال کردند. این رویداد اثرات ناگواری بر مردم و کشور گذاشت و مردم به دلیل کمبود مایحتاج ضروری خود با گرسنگی و قحطی و بیماری مواجه شدند. این‌ها باعث شد تا جامعه با ناامنی گسترده و سیل مهاجرت از روستاها به شهرها روبه‌رو شود. روز سوم شهریور ۱۳۲۰ قشون انگلیس و شوروی به خاک ایران وارد شدند. این دو مهمان ناخوانده-که خود را دوست دولت و ملت ایران معرفی می‌کردند- با تانک و تهدید و ارعاب وارد خاک کشور شدند و به دنبال آن قشون آمریکایی نیز وارد شدند (اعظام قدسی، ۱۳۷۹، صص ۸۶۰-۸۶۱).

پس از ورود متفقین کمبود خواروبار و غله یکی از دشواری‌های اصلی ایران شد. به این دلیل، شماری از شهرهای ایران، به‌ویژه در شمال و غرب با ناآرامی و غارت روبه‌رو شدند. اگر نگاهی به منابع و روزنامه‌های این دوران بیفکنیم این موضوع به‌وضوح دیده می‌شود (ساعد مراغه‌ای، ۱۳۷۳، صص ۲۲۵-۲۲۶؛ گلشانیان، ۱۳۷۷، ص ۵۴۲). دولت برای تأمین آذوقه و خواروبار شهرها با مشکلات فراوانی مواجه شد و طولی نکشید که کمبود خواروبار به بحران عمومی تبدیل شد (شوکت، ۱۳۸۶، ص ۱۸).

یکی از علت‌های اصلی این معضل، اشغال ایران به‌وسیله ارتش‌های بیگانه و حضور گسترده نیروهای متفقین در ایران بود. آن‌ها مسبب کمبود ارزاق عمومی و صعود سرسام‌آور بهای کالاهای مصرفی از جمله نان شده بودند (بهشتی سرشت، ۱۳۹۰، ص ۲)؛ چون آن‌ها علاوه بر اینکه خود مصرف‌کننده اصلی خواروبار ایران از جمله نان و غله بودند، محصول غله ایران را به خارج نیز صادر می‌کردند (مکی، ۱۳۷۴، ص ۲۶۷). همچنین ورود آذوقه از گیلان، مازندران، خراسان و آذربایجان به تهران از طرف روس‌ها غدغن شده بود. (ابتهاج، ۱۳۷۱، ص ۷).

در میان نیروهای متفقین، نیروهای شوروی سهم بیشتری در تداوم بحران نان داشتند؛ زیرا آن‌ها از حمل غله از مناطق زیر نفوذ خود به نواحی قحطی‌زده جلوگیری می‌کردند (نجاتی، ۱۳۷۸، ص ۵۹۰). علاوه بر حضور نیروهای متفقین در ایران از عوامل دیگری نیز می‌توان نام برد که در ایجاد بحران نان تأثیر زیادی داشته‌است از جمله این عوامل می‌توان به جمع‌آوری نکردن به‌موقع محصول به علت وجود ناامنی و غارتگری (مهدی‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۳۲)، و قطع ارتباط منظم بین شهرها و روستاها و احتکار گندم به‌وسیله برخی مالکان (مکی، ۱۳۷۴، ص ۳۲۳) اشاره کرد. این بحران به‌قدری جدی بود که برای تهیه نان در تجمعاتی که در برابر ناوایی‌ها تشکیل می‌شد، درگیری‌هایی بین ناوایان و مردم



به وجود می آمد. در همین رابطه روزنامه نسیم شمال ضمن اشاره به درگیری های بین مردم و نانوایان، دکان های نانوائی را به علت شلوغی بیش از حد آنها با رویکرد طنزآمیز به شهر فرنگ تشبیه کرده بود (روزنامه نسیم شمال، ش ۲۶، ۱۳۲۱، ص ۱).

مدیران نشریات معتقد بودند که علت نگرانی فوق العاده مردم و قحطی و بدبختی در ایران ناشی از آن است که به دلیل اسکناس های نامحدودی که دولت ایران به انگلیس می دهد، ارزش اسکناس ایران تنزل فاحش کرده، در نتیجه قوه خرید ایرانیان سقوط کرده است (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۹).

اشغال آذربایجان به وسیله نیروهای شوروی

با وجود اعلام بی طرفی ایران از آغاز اعلان جنگ، متفقین با بهانه هایی همچون حضور جاسوسان آلمانی، به ایران حمله ور شدند (ایران در اشغال متفقین...، ۱۳۷۱، ص ۱). در بخشی از یادداشت شدیدالحن دولت شوروی به وزارت امور خارجه ایران در تاریخ سوم شهریور ۱۳۲۰ آمده است که عمال آلمانی در چندین نقطه ایران انبارهای اسلحه و مهمات در اختیار دارند؛ به خصوص، در بخش شمالی ایران، در اطراف میانه، بیش از پنجاه تن مواد محترقه برای مقاصد خیانت کارانه خود جمع آوری کرده اند (ایران در اشغال متفقین...، ۱۳۷۱، ص ۴۹). متفقین وانمود می کردند عمل آنها اقدامی در جهت دفاع از خاک ایران است؛ ولی با حضور تجاوزگرانه هزاران نفر از نیروهای خود اعم از روسی، انگلیسی، آمریکایی، و هندی در کشورمان برگی سیاه از تاریخ این مرز و بوم را ورق زدند. آنها که به دلایل گوناگونی تجاوز از پیش برنامه ریزی شده خود را به ایران آغاز کردند (گزیاه اسناد جنگ جهانی دوم در ایران، ۱۳۸۱، ص ۱۹)، اندیشه بهره برداری از نفت ایران و نیز استفاده از راه های راهبردی و ارتباطی را - که دسترسی به جبهه های شوروی را ممکن می ساخت - در سر می پروراندند. البته استفاده از مسیر راه آهن سراسری ایران، برای حمل مهمات و آذوقه غذایی ضروری قوای مهاجم نمی توانست از این قاعده مستثنا باشد (خان ملک یزدی، ۱۳۶۳، ص ۶۳).

ستاد جنگ در اعلامیه ای در طی تلگراف های رسیده از نقاط مختلف کشور، از حمله هوایی به شهرهای آذربایجان، میانه، تبریز، خوی، اهر و ... خبر می دهد. اردلان استاندار سوم - یعنی آذربایجان - در تلگرافی به وزارت کشور در تاریخ ۵ شهریور از حمله هوایی شوروی به تبریز خبر می دهد. در این تلگراف آمده است که «سه بمب ساعت ۸ عصر روز سوم شهریور عمارت استانداری را تا حدود زیادی تخریب کرده، با وجود مقاومت در مقابل مهاجمین در صوفیان، آنها ناگزیر به طرف آذرشهر و مراغه عقب نشینی می کنند.

برای خرابی پل میانه صد من بمب افکنده‌اند؛ ولی خراب نشده‌است. چون روس‌ها نیم ساعت بعد از ظهر وارد شهر (یعنی تبریز) شده بودند، واسطه با شهر ممکن نگردید. بعضی از روسای ادارات هم گرفتار شده بودند به خارج شهر آمده بودند. فرمانده لشکر ۱۵ اردبیل به بستان آباد آورده و به‌طور محرمانه بازجویی شد، با عده خود به طرف میانه خواهند آمد» (گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران، ۱۳۸۱، ص ۴۳). اردلان در گزارش به وزارت کشور در تاریخ ۶ شهریور از وضعیت آذربایجان اظهار نگرانی می‌کند: «چند هواپیمای روس میدان فرودگاه شهر تبریز را بمباران کرده، روسها وارد مرند شده، وضعیت نان شهر خوب نبوده و گندم به قدر کفایت در انبارها نیست. قسمت اعظم اهالی از شهر بیرون رفته، به طرف باسمنج و دهات اطراف متواری می‌شدند. نداشتن خواروبار شهرندان، موجب نگرانی است» (گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران، ۱۳۸۱، صص ۴۴-۴۶).

قوای شوروی هنگام اشغال آذربایجان در شهریور ۱۳۲۰ (اوت ۱۹۴۱) با مانع جدی روبه‌رو نشد. اشغال آذربایجان به وسیله نیروهای شوروی تقریباً ۵ سال تا حرکت آخرین سرباز شوروی به سوی کشور خود و عبور از مرز در ماه مه ۱۹۴۶ (خرداد ۱۳۲۵) به طول انجامید. در طی این ۵ سال آذربایجان بحرانی‌ترین دوره تاریخ خود را گذراند (اتابکی، ۱۳۷۱، ص ۹۶).

پس از بمباران، سفیر کبیر شوروی و وزیر مختار انگلیس در نامه‌ای به نخست‌وزیر وقت ایران، محمدعلی فروغی خواستار عقب‌نشینی نیروهای ایرانی از برخی از شهرها شدند و اعلام کردند این شهرها به‌طور موقتی به وسیله قشون انگلیس و شوروی اشغال خواهند شد. به همین منظور در نامه ۸ شهریور ۱۳۲۰ آنان به صراحت مناطق مذکور را مناطق تحت اشغال اعلام کردند (ایران در اشغال متفقین ...، ۱۳۷۱، ص ۷۹). دولت ایران نیز در نامه ۸ شهریور ۱۳۲۰ خود به نمایندگان دولت‌های مذکور موارد فوق را رسماً پذیرفت (ایران در اشغال متفقین ...، ۱۳۷۱، ص ۸۸).

شوروی‌ها علاوه بر تبریز، شهرهای دیگر منطقه از جمله میانه، زنجان و ... را هم اشغال کردند. نصرت‌الله جهانشاهلو که خود از نزدیک شاهد اوضاع بود در خاطرات خود می‌نویسد: «هنگامی که روس‌ها در شهریور ۱۳۲۰ به زنجان رسیدند، پاره‌ای از مهاجرین به خانه‌های مردم دستبرد زدند و پاره‌ای خانه‌ها را غارت کردند و از بسیاری از مردم پول‌هایی به صورت باج گرفتند» (جهانشاهلو افشار، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۰۳).



عوامل پیدایش بحران نان

۱. حضور نیروهای متفقین

یکی از عواملی که باعث آسیب به زیرساخت‌های اقتصادی کشور و بحران غله در دوره جنگ جهانی دوم شده بود، حضور متفقین در کشور بود؛ چون که علاوه بر مصرف گندم ایران، مقدار زیادی را هم به خارج ارسال می‌کردند. روزنامه‌المصری چاپ قاهره در تاریخ ۱ بهمن ۱۳۲۰ می‌نویسد: ایران از کشورهایی است که محصول گندم آن معمولاً برای آن کافی است؛ بلکه مقداری از آن را هم به خارج صادر می‌کرده است؛ بنابراین انتظار می‌رود مقدار گندمی که دولت انگلیس به ایران فرستاده است برای آن (دولت ایران) کافی باشد؛ ولی سبب نقص کنونی گندم در ایران این است که دولت ایران، مقدار زیادی از محصول گندم خود را مطابق قرارداد پایاپای به آلمان فرستاده بود. علاوه بر این در نتیجه روش و سیاست‌های شاه سابق (رضاشاه)، سلب اطمینان از اهالی شده بود و اغلب مردم گندم‌های خود را پنهان کردند و در نتیجه وضعیت تقسیم گندم با مشکلات فراوانی مواجه شد (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۷۱).

طبق ماده ۷ قرارداد سه‌جانبه مورخ ۱۹ اسفند ۱۳۲۰ نمایندگان دولت‌های متفق متعهد شده بودند که احتیاج غذایی قوای نظامی مستقر خود در ایران را از طریق واردات تأمین کنند، تا بدین طریق از کمیابی بیشتر ارزاق در ایران اجتناب شود؛ اما به زودی پایبند نبودن به تعهد مزبور آشکار شد. روشن است که حضور یک نیروی صرفاً مصرف‌کننده و غیرمولد، موجب برهم خوردن تعادل در عرضه و تقاضا می‌شود. منطقه آذربایجان یکی از مراکز اصلی تولید گندم بود. مازاد تولید غله این منطقه به صورت انحصاری در اختیار شوروی‌ها قرار گرفت. بنا بر گزارش وزارت خواربار ۱۵۰۰ تن گندم و ۴۰۰۰ تن جو در آذربایجان، ۵۰۰ تن گندم در خوی و ۱۵۰۰ تن گندم در تبریز به نیروهای روسی تحویل داده است (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۷۰).

سفارت انگلیس در تذکریه‌ای به دفتر نخست‌وزیری می‌نویسد: «امر خواروبار موضوعی است که قسمت عمده مشکلات اقتصادی این کشور را تشکیل داده است. عواملی که باعث ایجاد چنین مشکلی شده علاوه بر وقایع و پیشامدهای شهریور ۱۳۲۰ به‌طور کلی کمی بارندگی در پاییز و زمستان سال گذشته و امسال است که موجب نقصان محصول گردیده است» (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۲۶۰). همچنین سفارت انگلیس علت کمبود غله و نان را سیاست‌های روس‌ها می‌داند. تقاضای تازه روس‌ها در فروردین ۱۳۲۱، برای ۳۰/۰۰۰ تن برنج، ۱۰/۰۰۰ تن جو، ۵۰۰ تن گندم و ۲۰/۰۰۰ تن سیب‌زمینی به مشکلات فعلی می‌افزود. ترس آن می‌رفت که هرگاه



این مایحتاج داده نشود روس‌ها ممانعت خواهند کرد که مازاد احتیاجات محلی آذربایجان و خراسان به سایر نقاط کشور حمل شود (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۲۶۹). وزیر دارایی کمبود گندم و نان را این‌طور توجیه می‌کند: نرخ خرید گندم به‌هیچ‌وجه متناسب با زندگی کشاورزان نیست و برای طبقه تولیدکننده صرف ندارد. دیگر اینکه توقف کشت برنج در صفحات جنوب نیز مصرف گندم را تا حد زیادی بالا برده‌است. محصول نواحی غربی کشور و حوزه آذربایجان رضایت‌بخش بود که پس از پیشامد شهریور و درهم‌ریختن اوضاع، جمع‌آوری محصول این صفحات هم مشکل شد (روزنامه اطلاعات، ش ۴۸۴۴، شنبه ۲۲ فروردین ۱۳۲۱، ص ۱). متفقین همچنین تبلیغات خود را به مدارس خطه آذربایجان هم کشیده بودند (ساکما، ۱۳۹۰/۱۷۱۸).

وزیر امور خارجه انگلیس، ایدن، پس از پایان جنگ هدف از اشغال ایران را به وسیله متفقین چنین عنوان کرد: «این را هرگز نباید فراموش کرد که علت ورود قوای روس و انگلیس به ایران برای آن بود که از خطوط ارتباطی این کشور استفاده کرده و کمک حیاتی و فوری به شوروی که در آن موقع مورد حمله شدید آلمانها قرار گرفته بود برسانیم» (خان‌ملک یزدی، ۱۳۶۳، ص ۱۳).

در پاییز ۱۳۲۱ دولت شوروی قراردادی با ایران منعقد کرد که به موجب آن دولت ایران متعهد شد که برای فراهم کردن نیازهای آنها سالیانه ۷۰۰۰ تن گندم و ۱۵۰۰۰ تن جو و ۳۰/۰۰۰ تن برنج به دولت شوروی تحویل دهد. باید توجه داشت که گندم و جو به مقدار زیادی در استان‌های آذربایجان شرقی و غربی کشت و تولید می‌شد و این استان‌ها در اشغال بیگانگان بودند (مهدی‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۱۳۵). کمبود غله در همه جا محسوس بود و علت هم این بود که روس‌ها از حمل مازاد غله آذربایجان که حاصلخیزترین منطقه ایران برای تهیه غلات بود به نقاط دیگر جلوگیری می‌کردند (ذوقی، ۱۳۶۸، ص ۱۳۶).

همان‌طور که ذکر شد یکی از علت‌های اصلی بحران نان حضور متفقین بود. آنها گندم ایران را یا به مصرف خود می‌رساندند یا به کشورهای دیگر ارسال می‌کردند. روزنامه ایران در زمینه ارسال گندم می‌نویسد: «اخیراً متفقین مقدار ۲۰۰ هزار تن گندم به ترکیه فروخته‌اند که باعث ناراحتی مردم شده‌است» (ایران، ش ۷۰۳۵، ۱۵ آبان ۱۳۲۱، ص ۲).

۲. احتکار گندم

خشک‌سالی و جنگ آغازگر قحطی بودند؛ ولی احتکار - که به وسیله برخی افراد سودجو و فرصت‌طلب انجام می‌شد - قحطی را سخت‌تر می‌کرد. موضوع کمبود غله و حضور نیروهای متفقین در ایران برخی از کشاورزان و ملاکان را بر آن داشت تا غله خود را به



امید فروش با قیمتی بالاتر انبار کنند. در این شرایط تاجران سودجو نیز به صورت گسترده به احتکار غله پرداختند (ساکما، ۲۹۰۰۰۳۱۴)؛ این چنین بود که ذخیره غله از سوی دولت به خصوص در تهران کم شد و کشاورزان خرده‌پا نیز مقدار زیادی از محصول خود را سه برابر قیمت خرید دولت به محتکرین بزرگ می‌فروختند (مجد، ۱۳۸۹، ص ۴۵۶)؛ بدین ترتیب دولت نمی‌توانست گندم کافی ذخیره کند (ساکما، ۲۴۰۰۱۳۸۸۷).

بروز جنگ جهانی دوم، اشغال نظامی ایران به وسیله متفقین و سقوط حکومت رضاشاه، میل به احتکار گندم را نزد مالکان و کشاورزان افزایش داد. یکی از پیامدهای مهم حضور متفقین در ایران کمبود غله در کشور بود. متفقین اظهار می‌کردند علت اصلی بحران محتکران هستند؛ ولی واقعیت این است که علت اصلی متفقین بودند. نخست‌وزیر انگلیس در واکنش به نقش نیروهای متفقین در کمبود نان، علت اصلی بحران را به گردن محتکرین انداخت (سعادت بشر، ش ۹۶، شهریور ۱۳۲۱، ص ۲). البته محتکران هم در پیدایش بحران نان تأثیر زیادی داشتند. محتکرین و سفته‌بازان که در میان مقامات دولتی نیز یافت می‌شدند، دست به معاملات غیرمجازی روی گندم می‌زدند. در سال ۱۳۲۱ ش مشاهده صفوف طولانی مردم پریشان و لرزانی که برای دریافت جیره نان سیاه غیرمأکول خویش ساعت‌ها پشت سر یکدیگر می‌ایستادند بسیار عادی بود و در همان حال در گوشه و کنار شهر ناوایی‌هایی وجود داشت که نان‌هایی با کیفیت بالا، به مشتریانی که قادر بودند با بهای گران آن را بخرند عرضه می‌کردند (اسکرین، ۱۳۶۳، ص ۲۱۸).

۳. ارسال گندم آذربایجان به مناطق دیگر

بعد از اشغال ایران یکی از علل کمبود ارزاق آن بود که در شمال مازندران و گیلان اجازه حمل برنج به اشخاص داده نمی‌شد، مگر افرادی که از قبل از طرف فرمانداری‌های محل، مجوز حمل برنج دریافت کرده باشند. از سوی دیگر درحالی که رادیو لندن خبر از ارسال گندم برای ایران می‌داد، نیروهای بیگانه محصول غله ایران و بعضی مواد دیگر را به خارج حمل می‌کردند و در مقابل ریالی هم به کشور نمی‌رسید (ساکما، ۲۴۰۰۱۶۶۳۲). علاوه بر آن به علت مهاجرت کشاورزان، کمبود وسایل حمل و نقل، نبود امکانات زراعی، بی‌ثباتی اوضاع سیاسی، کشت و برداشت غله در نقاط مختلف کشور با سختی انجام می‌شد (مکی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۶۹؛ جلال پور، ۱۳۹۱، ص ۱۵۷). علاوه بر نان برخی کالاهای دیگر هم گران شد و همین امر دولت را بر آن داشت که برای اولین بار قند، شکر، و پارچه‌های نخی را مشمول جیره‌بندی نماید (جلال پور، ۱۳۹۱، ص ۱۵۸). دولت برای تأمین آذوقه و نان و غله با معضلات فراوانی روبه‌رو شد و دیری نپایید که

کمبود خواروبار به بحران عمومی تبدیل شد (شوکت، ۱۳۸۶، ص ۱۸). یکی از علت‌های اصلی این معضل، اشغال ایران به وسیله بیگانگان بود. آن‌ها مسبب کمبود ارزاق عمومی و صعود بهای کالاهای مصرفی از جمله نان بودند (مکی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۶۷). البته، انگلیسی‌ها این موضوع را کاملاً رد می‌کردند و معتقد بودند که محصولات ایران به خارج ارسال نمی‌شود (ساکما، ۲۴۰۰۱۲۴۳۹). بر اثر این فشارها دولت مجبور شد نان مردم را با ترکیب ۸۰ درصد گندم و ۲۰ درصد جو تأمین کند (مذاکرات مجلس سیزدهم شورای ملی، جلسه ۱۶۳، ۱۳۲۲/۰۳/۰۱). در میان نیروهای متفقین نیروهای شوروی سهم فراوانی در تداوم بحران نان داشتند (ساکما، ۳۲۲۷-۱۰۱۰۰۸). در این میان یکی از مراکز مهم اقتصادی تبریز، بازار بود که جنگ جهانی دوم صدمات جبران‌ناپذیری بر پیکره اقتصادی آن وارد کرد. همچنین سلطه روس‌ها بر بازار، عرصه را بر بازاریان دشوار ساخته بود به همین دلیل بازرگانان به شهرهای دیگر مثل تهران نقل مکان کردند. روس‌ها بیشتر گندم آذربایجان را به شوروی صادر می‌کردند (ساکما، ۲۴۰۰۱۹۴۸۵). به همین دلیل وزیر دارایی نامه‌ای در اعتراض به این کار به وزارت خارجه می‌نویسد و نسبت به خرید و خروج آذوقه و مواد غذایی از ایران به وسیله متفقین مخصوصاً روس‌ها اعتراض می‌کند و آن را خلاف پیمان امضا شده بین دولت‌های متفقین و ایران می‌داند (ایران در اشغال متفقین ...، ۱۳۷۱، ص ۲۴۲).

روزنامه نوبهار در شماره ۵۵ به تاریخ ۱۵ مهر ۱۳۲۲ درباره حضور متفقین در ایران و نقش آنان در کمبود مواد غذایی می‌نویسد: «... مهمانان ما کریم و رحیم‌اند، خواروبار خود را از خانه خود بار کرده این جا آورده‌اند؛ اما پس محصول ما کو؟ غذای ما که مادر برای ما مهیا کرده کجاست؟ می‌گویند در بیابان‌ها ولو است. آیا این راست است؟ این توشه خواروبار را چه کسی ربوده و برده است؟ چرا برده است؟ چرا لااقل به قدر قوت لایموت به صاحبان زمین نمی‌دهند و اگر هست چرا نه جواز می‌دهند و نه آنها را جمع می‌کنند؟...» (نوبهار، ش ۵۵، ۱۵ مهر ۱۳۲۲، ص ۱).

تبعات حضور متفقین در آذربایجان و آغاز بحران نان

جنگ جهانی دوم تأثیراتی بسیار منفی بر اقتصاد کشورها از جمله ایران گذاشت. در آذربایجان این جنگ موجب «فقر عمومی مردم» و کمبود غله و افزایش قیمت آن شد. همین عوامل باعث شد تا مردم دست به شورش بزنند.

در پی اشغال تبریز به وسیله نیروهای نظامی شوروی قحطی بی سابقه‌ای شهر رافرا گرفت. از دی ۱۳۲۰ کمبود نان در شهر تبریز وجود داشت (آذربایجان، س ۱، ش ۱۴، ۲۷ آذر ۱۳۲۰، ص ۹۷). در ۲۴ اسفند ۱۳۲۱ مردم تبریز به علت کمبود نان و غله شورش کردند و خواستار



رفع این معضلات شدند. اقتصاد آذربایجان در خلال جنگ به رکود فوق العاده‌ای مبتلا شد که به بیماری‌های همه‌جاگیر انسانی منجر گردید (اتابکی، ۱۳۷۱، ص ۹۷).

کارخانه‌های تبریز از جمله کارخانه آرد و ماکارونی تبریز در نتیجه کاهش تولید با تعطیلی مواجه شد (کمام، ۱۲/۵۴/۲۲/۱/۲۵). در زمانی اندک کالاهای اساسی با کمبود کلی روبه‌رو شد و این امر به خشک شدن قنات‌ها و مزرعه‌ها در اثر بی‌توجهی کشاورزان و شیوع بیماری‌های واگیردار منجر شد. از دی ۱۳۲۰ کمبود فاجعه‌آمیز نان در شهر تبریز - که در آن هنگام ۲۲۰ هزار نفر جمعیت داشت - (پاک‌دامن، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۹) رخ نمود.

اوضاع آذربایجان و تبریز آن‌قدر در اواخر سال ۱۳۲۰ بحرانی بود که فرماندار اصفهان در نامه‌ای به وزارت کشور درباره لزوم تشکیل کمیسیون غله شهری می‌گوید: ... اگر وضعیت دو سال پیش آذربایجان و شهر تبریز باید در اصفهان به‌وجود بیاید، خوب است خود جناب آقای مدیرکل وزارت دارایی به اصفهان تشریف آورده و مسئولیت این بیچارگی را به عهده بگیرند. (ایران در اشغال متفقین ...، ۱۳۷۱، ص ۲۰۴).

جدول زیر قیمت برخی از اجناس را به ریال در تبریز بین سال‌های ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۲ شمسی نشان می‌دهد (اتابکی، ۱۳۷۱، ص ۹۹).

جنس به کیلو	خرداد ۱۳۱۷	خرداد ۱۳۲۰	خرداد ۱۳۳۱	بهمن ۱۳۳۲
گندم	۰/۵۹	۱/۶۵	۱/۱۱	۱۳
نان	۰/۶۹	۱/۵۰	۱/۱۰	۱۲
برنج	۳	۳/۳۰	۶	۳۲
شکر	۴	۵/۹۵	۷/۵۰	۱۰۰
قند	۴/۳۰	۷	۸/۵	۱۱۳
گوشت گوسفند	۲/۶۰	۵/۲۰	۶	۱۱۶
نفت	۱/۳۵	۱/۶۵	۲/۶۵	۴
هیثم	۰/۲۱	۰/۳۶	۰/۳۰	۰/۵۵
زغال	۰/۵۰	۰/۸۰	۱/۲۰	۲/۸۰
شیر	۰/۸۵	۱/۲۵	۱/۶۰	۳/۲۰
سیب‌زمینی	—	۱	۱/۶۰	۳/۶۰
مرغ (دانه‌ای)	۴	۱۰	۱۱/۶۰	۴۰
تخم مرغ (دانه‌ای)	۰/۱۰	۰/۱۷	۰/۳۰	۱/۱۰
روغن حیوانی	۱۰/۸۰	۱۶	۳۶	۶۸
چای	۴۴	۷۰	۱۲۰	۱۸۰

جدول ۱

قیمت برخی اجناس به ریال در تبریز
بین سال‌های ۱۳۱۷ تا ۱۳۳۲ ش



در این اوضاع حتی در صورت پیداشدن نان هم، کیفیت آن بسیار پایین بود. روزنامه اطلاعات درباره نان مراغه می‌نویسد: «به جهت تقلب نانوائی‌ها محمدعلی نام، مشهور به خالداوغلی را مأمور نموده‌اند که از تقلب نانوائی‌ها جلوگیری نمایند. مشارالیه خوب از عهده انجام وظیفه برآمده؛ ولی در این موقع برداشت محصول، مظنه نان روزبه‌روز بالا می‌رود و ازدحام دکانین نانوائی‌ها زیادت‌تر شده. این مسأله باعث نگرانی اهالی شده؛ مخصوصاً تولید زحمت برای کارمندان ادارات نموده که نمی‌دانند وقت خودشان را صرف خرید نان نمایند یا اینکه به فراغت خیال مشغول انجام وظیفه باشند» (روزنامه اطلاعات، سال ۱۷، ش ۵۰۳۶، ۶ آبان ۱۳۲۱، ص ۱).

یا در جایی دیگر می‌نویسد: «وضعیت مراغه از جهت نان روزبه‌روز بدتر و باعث نگرانی اهالی شده، جلوی دکانین نانوائی ازدحام عجیبی است... مع‌التاسف روزبه‌روز بهای نان بالا می‌رود» (اطلاعات، سال ۱۷، ش ۵۰۴۸، ۱۸ آبان ۱۳۲۱، ص ۱۹).

روزنامه فریاد که در تبریز منتشر می‌شد توصیف می‌کند: «منظره شهر تبریز همان شهری که کودکی و جوانی و پیری خود را در سینه وی بسر برده‌ایم و پس از مرگ، ما را در دلش جای می‌دهد. همان شهری که سر داد و سر به استبداد فرونیارود، همان شهری که نهال آزادی را با خون‌های جوانان خود پرورش داد، همان شهری که چون کشوری با عظمت در دوره استبداد صغیر با دیو مهیب ارتجاع نبرد کرد و فیروز شد. آری همان شهر اینک منظره‌ای دارد که از دیدن آن نزدیک است خون در رگها مرده شود. تبریز که چون طاووس از علم، آزادی‌خواهی، صنعت، معنویت، و میهن‌پرستی نقش‌ونگار فراوان داشت، اینک مرغ بال‌وپرشکسته و دم‌وکاکل‌کننده، از همه زیبایی‌ها دور و محروم است...» (فریاد، ش ۴، ۲۱ آذر ۱۳۲۱، ص ۱، منظره شهر).

کمبود ارزاق و مایحتاج عمومی بر اثر سیاست‌های نادرست و حتی سوءاستفاده‌های شخصی مستشاران آمریکایی تشدید شد. بهای اجناس سیر صعودی نمود و گرفتاری‌ها و مشکلات مردم افزایش یافت؛ مثلاً مردم شهر تبریز که مرکز غله‌خیزترین استان کشور بود در بهمن و اسفند ۱۳۲۱ دچار آن‌چنان قحطی و گرسنگی شدند که نانوایان به‌جای نان، سیب‌زمینی تحویل آن‌ها می‌دادند؛ در نتیجه، در ۲۶ اسفند همان سال مردم دست از کار کشیدند و به عمارت استانداری هجوم بردند. حال آنکه طبق اعلام نظر کمیسیون دادگستری مجلس شورای ملی در آن زمان دولت در نقاط مختلف آذربایجان غله داشت و فقط فراهم‌ساختن وسیله حمل آن لازم بود؛ ولی مستر و پویان - مشاور آمریکایی خواروبار در آذربایجان که خود مسئولیت مستقیم این وضع را برعهده داشت - به‌جای انجام اقدامات فوری به تهران فرار کرد (گذشته چراغ راه آینده است ...، ۱۳۷۹، ص ۱۶۷).

۱. پیروز



بر اساس منابع، در سال ۱۳۲۲ در اکثر نقاط کشور هزینه زندگی نسبت به سال قبل از آن بیش از ۴۰۰ درصد افزایش یافته بود. شرایط اقتصادی در آذربایجان هم بسیار بحرانی بود. بازرگانی در آذربایجان به‌طور کلی خیلی محدود شده بود و به دلیل مشکلات تهیه مواد اولیه، قیمت همه اجناس بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ درصد نسبت به سال قبل بالاتر رفته بود (اتابکی، ۱۳۷۱، ص ۹۷). برای نمونه، روزنامه آئیر می نویسد که بهای برق کیلوواتی ۷ ریال در تبریز گران‌تر از بقیه ایران بوده است (آئیر، سال ۲، ش ۱۴۹، ۷ خرداد ۱۳۲۳، ص ۲). البته ناگفته نماند وضعیت سایر شهرهای ایران هم بهتر از منطقه آذربایجان و شهر تبریز نبود. چند سال بعد اورکوهات - کنسول بریتانیا در تبریز - در بررسی خود به‌وضوح نشان داد که چگونه قیمت کالاهای اساسی مانند نان، برنج و شکر، به‌خصوص در دو سال بررسی شده به‌طور وحشتناکی افزایش یافته است؛ در حالی که متوسط حقوق یک کارگر در آن موقع ۱۰ ریال در روز بوده است. کنسول بریتانیا، در پایان یکی از گزارش‌های دوماهه خود به‌طور کنایه‌آمیز از جو محرومیت آن زمان چنین یاد می‌کند که: «درواقع شوخی تلخی بین مردم رایج شده است که ضد فاشیسم نوعی نان جدید است» (اتابکی، ۱۳۷۱، ص ۹۷). به دلیل قحطی و به دنبال آن شیوع انواع بیماری‌ها، به‌خصوص بیماری تیفوس مردم می‌مردند؛ ولی دولت ایران مسئولیتی در برابر ملت احساس نمی‌کرد و نه تنها اقدامی در جهت اصلاح وضع و علاج دردهای مردم به عمل نیاورد؛ بلکه با اقدامات بی‌رویه خود موجب کمبود بیشتر مایحتاج عمومی و تنزل ریال و بالارفتن بیش‌ازپیش هزینه زندگی شد (جلال پور، ۱۳۹۱، ص ۱۵۹).

شرایط ناشی از جنگ و اشغال ایران، فقدان ارتباط منظم بین شهرها و روستاها و وجود نامنی، رکود واردات و صادرات، بالارفتن تقاضای مواد مصرفی و ارزاق عمومی در بازار ایران با توجه به احتیاجات نیروهای متفقین، سوءاستفاده محتکران، و خروج مایحتاج عمومی از مرزهای کشور به‌خصوص از سرحدات، بحران عمیقی را در زندگی مردم به‌وجود آورد. ازدحام جمعیت در برابر دکان‌های نانوايي بسیار زیاد شده بود. مرگ‌ومیر ناشی از گرسنگی روزبه‌روز افزایش می‌یافت. در آذربایجان مردم از شدت گرسنگی دست از کار کشیده و به اداره غله هجوم بردند. چنانچه روزنامه فریاد در مطلبی با عنوان «رخداد تیر در تبریز» می‌نویسد: «گرسنگی طبیعت انسان را به تلاش و کوشش وامی‌دارد و شکم گرسنه از تماس با شمشیر و سرنیزه نمی‌هراسد. این قانون فطری که تغییرناپذیر است برای مرتبه دوم [بار اول در ۲۶ اسفند ۱۳۲۱] در هشتم تیرماه در افق تبریز نمایان شد... مردم گرسنه از سه چهار محله شهر که عمده خیابان بوده، کم‌کم به اداره شهرداری جمع می‌شدند، زن و بچه، جوان و پیر، عور و گرسنه فریاد ما گرسنه‌ایم به ما نان ندادند، نمی

خواهیم بمیریم، نان می خواهیم به آسمان بلند کردند... جمعیت انبوه تر شده بود. مردم فریاد می زدند، به ما نه چیت^۱ می دهند، نه قند می دهند، چشم خود را به نان خالی دوخته بودیم که آن را هم نداده اند» (فریاد، ش ۲۱، ۲۲ تیر ۱۳۲۲، ص ۲).

دولت ایران به دلیل پیمان اتحاد با متفقین، تأمین مایحتاج ریالی آن ها را برعهده گرفته بود که این عمل می بایست با قرارداد جداگانه ای اجرا می شد؛ ولی چون اسکناس های منتشر شده تا شهریور ۱۳۲۰ - که بالغ بر ۲۰۰ میلیون تومان بود - کفاف مخارج متفقین و هزینه دولت ایران را نمی داد؛ بنابراین دولت در سه نوبت از مجلس شورای ملی برای نشر اسکناس اجازه گرفت و بدین ترتیب میزان اسکناس های در جریان تا آبان ۱۳۲۱ به ۳۵۰ میلیون تومان رسید و پشتوانه آن از ارزیابی مجدد طلا و نقره بر مبنای قیمتی اعلام شد که دکتر مشرف نفیسی - مشاور حقوقی شرکت نفت و وزیر دارایی دولت فروغی - به لیره انگلیس تعیین کرده بود. حال آنکه قیمت واقعی طلا و نقره ای که برای پشتوانه اسکناس در دست داشتیم ترقی نکرده بود، بلکه قیمت ریال تنزل کرده بود (گذشته چراغ راه آینده است، ۱۳۷۹، ص ۱۵۳). علاوه بر این، زمامداران ایران قانون منع احتکار وضع کردند؛ ولی به جای استفاده درست از این قانون در جهت منافع مردم، با این حربه و با تعیین قیمت بسیار نازل برای گندم و جو اجازه دادند متفقین - و به خصوص دولت انگلستان - که اسکناس بی حسابی در دست داشتند خواروار ایران را از کشور خارج کنند و ملت را به در یوزگی بکشاند تا مردم دست نیاز به سوی صلیب سرخ دراز کنند (گذشته چراغ راه آینده است، ۱۳۷۹، ص ۹).

کمیته ایالتی کانون دموکراسی آذربایجان در تلگرافی از تبریز به دارالشورای ملی وضعیت اقتصادی آذربایجان را بحرانی توصیف کرد و خواستار رفع این وضع شد: «محتکرین و سفته بازان در آذربایجان مجدداً بهای کالا را هر روز زیاد نموده باعث سختی معیشت اکثریت، مخصوصاً طبقه کارگر شده، برای اهالی قماش نمی دهند، جیره شکر و چای ۴۰۰ گرم سه ماه عقب افتاده و گرانی اجناس از حد گذشته، مخصوصاً گرانی ۱۰۰ درصد برنج باعث بیکاری هزاران بافنده و کارگر می شود. اکثریت اهالی در فشار روحی وارد به استخوان رسیده، خواهشمند است توجه چاره عاجل فرمایند» (باختر، ش ۲۸۵، ۳۰ فروردین ۱۳۲۳، ص ۳).

مسئله دیگر هنگام اشغال آذربایجان به وسیله نیروهای شوروی کمبود مواد غذایی مثل نان، قند و شکر بود. گزارش رئیس اداره گمرک آذربایجان به وزارت دارایی نشانگر دخالت روس ها در کمبود مواد غذایی است. ارتش شوروی در طول جنگ دوم به کارخانه های آذربایجان سفارش تولید کالاهای ضروری خود را داده بود؛ ولی بعد از اتمام جنگ از این

۱. نوعی ماده غذایی



کار دست کشید. با این عمل حیات اقتصادی آذربایجان رو به افول نهاد. کنسول بریتانیا در تبریز می‌گوید: حالا همه کارخانه‌های شهر تبریز معتقد شده‌اند که یا ضرر خواهند دید یا حداقل زورکی هزینه‌های جاری را به دست خواهند آورد (اتابکی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۶).

مهم‌ترین مسئله‌ای که در دوره اشغال، توده‌های مردم را به رنج و سختی می‌انداخت، مسئله قحطی نان و غله بود. این موضوع به مرور خود را نشان داد، تا آنجا که دولت در آغاز سال ۱۳۲۱ مجبور به توزیع کوپن قند و شکر و ارزاق عمومی شد. این کمبود حتی شامل دولتمردان و رجال سیاسی نیز می‌شد؛ به طوری که حسن اسفندیاری رئیس مجلس شورای ملی برای رفع این کمبود دستور داد در باغ بهارستان سیب‌زمینی و حبوبات بکارند. همچنین دولت در اردیبهشت ۱۳۲۱ ممنوعیت صدور حبوبات، غلات و گوشت را تصویب کرد. در مناطق دور از مرکز اوضاع نابسامان بود. تمهیدات دولت ایران نتیجه‌ای در بر نداشت؛ چرا که مداخلات و زیاده‌خواهی‌های اشغالگران در این حوزه بر نابسامانی‌ها می‌افزود. همچنین متفقین به‌ویژه انگلیس و آمریکا در واردات کالاهای اساسی به ایران نظارت و سهمیه تعیین می‌کردند. اقدامی که اگرچه به بهانه جلوگیری از احتکار صورت گرفت؛ ولی ایران را با کمبود و قحطی مواجه ساخت؛ چرا که مردم با این سیاست‌ها نه تنها با مشکل مواجه می‌شدند بلکه نمی‌توانستند حتی کالاهای اساسی خود را تهیه کنند. در مقابل اشغالگران به‌ویژه انگلیسی‌ها خود در خروج غله از ایران به‌طور غیرقانونی مشارکتی فعال داشتند. وزارت امور خارجه ایران در تذکریه‌ای به سفارت انگلیس پرده از این سوءاستفاده برمی‌دارد (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۲). علاوه بر دخالت متفقین در خروج غیرقانونی ارزاق از کشور، قسمت زیادی از ارزاق کشور به مصرف قوای متفقین و مهاجران لهستانی می‌رسید. این در حالی بود که آنان به‌جز اقدام برای خروج غله و ارزاق از چرخه مصرف داخلی، تقاضاهایی نیز به‌طور رسمی داشتند. تقاضاهایی که در صورت برآورده نشدن، تهدید ممانعت از صدور محصول آذربایجان به دیگر مناطق کشور را در پی داشت. این در حالی بود که متفقین تعهد داده بودند از خواروبار ایران برای مصرف نیروی نظامی‌شان استفاده نکنند. در نهایت قحطی و کمبود نان در کشور به حدی رسید که افراد زیادی جان خود را از دست دادند (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۳).

وزارت امور خارجه در پاسخ نامه واصله از اداره کل شهربانی به وزارت کشور در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۲۳ مبنی بر سوء رفتار نظامیان هندی در میانه نسبت به ابراهیم نام فرزند محمد به اطلاع می‌رساند که اقدام لازم نزد سفارت کبرای انگلیس به عمل آمده است (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۲۹۳).

تقی‌زاده نماینده ایران در شورای امنیت، اظهار کرد که بر اثر قضایای آذربایجان و شمال و مانع شدن روس‌ها از ارسال قشون برای سرکوبی شورشیان، اوضاع اقتصادی ایران کاملاً مختل شده‌است. وی همچنین خواسته بود که از کمک مادی و معنوی به شورشیان آذربایجان خودداری شود (مجتهدی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۴).

از مهم‌ترین تبعات جنگ جهانی دوم تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان بود. در ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ طی اعلامیه‌ای که در نشریه جودت به چاپ رسید موجودیت فرقه دموکرات آذربایجان اعلام شد (روزنامه جودت، فوق‌العاده ۱۲ شهریور ۱۳۲۴، ص ۱). در این بیانیه پس از سخنی چند از وضع نابسامان آن روز ایران به وضع ویژه آذربایجان اشاره شده بود و سرانجام نتیجه گرفته شده بود که امضاکنندگان آن برای سامان‌بخشیدن به نابسامانی‌ها به تشکیل فرقه‌ای به نام فرقه دموکرات آذربایجان اقدام کرده‌اند (جهانشاهلو افشار، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۳۱). از نتایج حضور شوروی‌ها در ایران دخالت در ادغام حزب توده زنجان در فرقه دموکرات بود (جهانشاهلو افشار، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۳۱).

به دلیل مشکلات اقتصادی به وجود آمده ناشی از محاصره اقتصادی، دولت ایران از ارسال هر نوع امکانات عمومی به آذربایجان به بهانه ناامنی سرباز می‌زد و قطع شدن مرادۀ اقتصادی منطقه آذربایجان با نقاط دیگر کشور موجب کمبود مواد غذایی در آذربایجان شد. فرقه دموکرات برای رویارویی با این مشکلات بر قیمت‌ها نظارت کامل می‌کرد و ۲۰ درصد سهم دهقانان و ۷۰ درصد سهم زمین‌داران را از محصول آنان می‌گرفت و برای قاچاقچیان (صادرکنندگان) غله از آذربایجان مجازات سختی تعیین کرد. البته جهانشاهلو ذکر می‌کند که تنها گروهی از آنها تلاش می‌کردند و گروه یا گروه‌های دیگر در پی گردآوردن پول و مال بودند. آنها اموال مردم را مصادره می‌کردند و یا خود رشوه می‌گرفتند و یا به بیگانگان رشوه می‌دادند (جهانشاهلو افشار، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۸۷).

همانند این اقدام‌ها و غارت‌ها در مراغه، اردبیل و حتی شهر تبریز نیز بسیار روی می‌داد. من جمله شخصی به نام عباس پناهی با دست‌آویز قراردادن ممنوع بودن حمل طلا و جواهر به وسیله مسافران، بسیاری از اموال مسافران را ضبط و مصادره می‌کرد و بخشی از آنها را خود برمی‌داشت و بخشی از آنها را به روس‌ها می‌داد (جهانشاهلو افشار، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۲۴).

آیت‌الله مجتهدی هم در خاطرات خود درباره اوضاع عمومی آذربایجان در آن زمان می‌نویسد: «...تحریر مردم روزه‌روز بیشتر می‌شود. مصادره اموال هم در بعضی موارد به موقع اجرا گذاشته شده‌است. خانه میرجواد صراف را مصادره نمودند» (مجتهدی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۰). یا یکی دیگر از کسانی که املاکش را مصادره کردند، آقای غلامرضا خان

مسعود بود که «وی شخصی بسیار درستکار و ساکت و در مسائل سیاسی بی طرف است» (مجتهدی، ۱۳۸۱، ص ۳۲۷).

وضعیت رکود اقتصادی آذربایجان حتی در سال‌های بعدی هم گریبان‌گیر مردم این خطه شد؛ به طوری که تجار تبریزی مقیم تهران اظهار می‌داشتند که: مادامی که قوای شوروی از آذربایجان خارج نشوند، اوضاع به همین منوال خواهد بود. بازرگانان مذکور به هیچ وجه حاضر نبودند به تبریز بروند و به کار تجارت خود مشغول شوند و این موضوع یکی از علل حقیقی بیکاری عده‌ای از اهالی تبریز قلمداد شده است (ایران در بحران، ۱۳۷۹، ص ۲۵۳). در تیر ۱۳۲۵ قیمت اجناس در تبریز ترقی پیدا کرده بود. قیمت غله هم ناگهان افزایش یافته بود. در مراغه از منی هشت قران به منی چهارده قران رسیده بود (مجتهدی، ۱۳۸۱، ص ۳۱۳).

گزارش‌ها حاکی از آن بود که «در ۱۷ مهر ۱۳۲۵ در تبریز و نقاط دیگر آذربایجان خواروبار خیلی گران شد مخصوصاً گندم خرواری ۳۰۰ تومان به دست نمی‌آید و روس‌ها هر روز از راه جلفا به وسیله کشتی به سمت روسیه حمل می‌نمایند و در این خصوص بعضی‌ها با شوروی‌ها تشریک‌مساعی می‌کنند. به طوری که در بین اهالی تبریز مذاکره است اگر یک اتفاقی بیفتد و دولت مرکزی آذربایجان را تصرف نماید، دو نفر نامبرده به روسیه فرار می‌نمایند [غلام‌یحیی^۱ و پیشه‌وری]. اهالی آذربایجان در زمستان از گرسنگی خواهند مرد و مردم و اهالی آذربایجان انتظار دارند که چه وقت از طرف دولت مرکزی اقدام خواهد شد آن‌ها نجات خواهند یافت» (ایران در بحران، ۱۳۷۹، ص ۳۶۵). «قحطی مانند ۴ سال پیش است. بیکاری و بی‌پولی و بیچارگی اهالی را وادار به فرار کرده و اشخاص بی‌چیز مجبور شده‌اند که زندگی خود را فروخته و پیاده به شهرهای بیگانه عراق و ترکیه بروند» (ایران در بحران، ۱۳۷۹، ص ۳۶۸).

جهانشاهلو در خاطرات خود درباره اقدامات غلام‌یحیی می‌نویسد: «از روزی که آقای غلام‌یحیی با هم‌هانش به این شهر [زنجان] آمده است مردم به جان و مال خود ایمن نیستند» (جهانشاهلو، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۷۷). یا درجایی دیگر می‌افزاید: «پس از رفتن من [جهانشاهلو] به تبریز غلام‌یحیی و دوروری‌هایش برآستی در بخش‌های زنجان و شهر غارتها و جنایتهایی کردند که روی تاخت‌وتاز آدمکش‌های عرب و مغول سپید شد» (جهانشاهلو، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۷۸).

آیت‌الله مجتهدی هم در این باره می‌نویسد: «تعیین شدن غلام‌یحیی به ریاست نگهبانی که رسم ژاندارمری است بر یأس بیچاره مالکین می‌افزاید» (مجتهدی، ۱۳۸۱، ص ۳۴۴). همچنین اراضی کشاورزی مردم آذربایجان به وسیله نیروهای شوروی تصرف می‌شد

۱. در آستانه جنگ دوم جهانی که روس‌ها بیگانگان را با دست‌آویز امنیتی از اتحاد شوروی می‌رانند، غلام‌یحیی نیز با ایرانیان مهاجر به آذربایجان ایران روانه شد و در بخش سراب سکنی گزید. غلام‌یحیی سال‌ها پیش به همراه پدر عازم باکو شده و با شروع و اشاعه افکار کمونیستی، همراه جمعی از ایرانیان مقیم باکو جذب افکار کمونیستی شده بود. او ابتدا به عضویت حزب کمونیست درآمد و سپس عضویت سازمان جوانان کمونیستی با نام «کامسول» را پذیرفت و با فعالیت میان کارگران ایرانی مقیم باکو توانست اعتماد دولت شوروی را به گونه‌ای جلب کند که وی را به مقام شهرداری منطقه صابونچی برگزیند که مهم‌ترین بخش نفت‌خیز باکو بود. همین سابقه بعدها در ایران اعتباری برایش جمع کرد. اگرچه او نخست در روستاهای سراب، شیر می‌فروخت، اما پس از آشنایی با چند دزد به کار قصابی پرداخت و به تدریج به فعالیت حزبی فرقه‌ای گرایش نشان داد و بازداشت شد. سپس از رهایی از زندان به عضویت اتحادیه کارگران حزب توده در آذربایجان درآمد و در آستانه تشکیل فرقه دموکرات مسول اتحادیه کارگران شهر میانه شد. هنگامی که در مهرماه ۱۳۲۴ در تبریز کنگره فرقه تشکیل شد به روایت جهانشاهلو، او در آنجا عضو دون‌پایه‌ای بود؛ ولی بعدها وقتی پیشه‌وری مأمور به تشکیل دولت مستقل دموکرات در آذربایجان شد، غلام‌یحیی نزدیک‌ترین نظامی نزدیک به او بود (جهانشاهلو، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۲۱).

(ساکما، ۲۹۰/۸۲۷۰). گزارش‌های زیادی از تعدیات نیروهای شوروی در منطقه آذربایجان وجود دارد (ساکما، ۲۹۰/۲۴۶).

در پایان باید اشاره کنیم که با استقرار مسلحانه فرقه دموکرات در آذربایجان بسیاری از ارباب‌ها کشته یا از روستاها متواری شدند و نظم و نسق کشت و زرع در روستاها به هم ریخت و بسیار از مالکان روستاها دیگر به آذربایجان بازنگشتند. به همین علت در سال ۱۳۲۶ و با وجود خروج متفقین، آذربایجان باز هم با قحطی جدیدی مواجه شد. بسیاری از کشاورزان هم به عضویت قوای فرقه درآمدند و عملاً کار کشاورزی در آذربایجان معطل ماند. کمبود نان در بازار کاملاً محسوس شده بود. تجارت به کلی به حال رکود درآمده بود.

نتیجه‌گیری

در شهریور ۱۳۲۰، هواپیماهای جنگی شوروی آذربایجان و تعدادی دیگر از شهرهای صفحات شمالی کشور را بمباران کردند و این نخستین نشانه نقض آشکار بی‌طرفی ایران در جنگی بود که ایران نه در شروع آن نقشی داشت و نه در ادامه آن و نه نفعی از آن می‌برد. از پیامد آنی جنگ می‌توان به اشغال آذربایجان به دست نیروهای شوروی و دخالت نیروهای مذکور در امور اداری، و انتظامی منطقه و سرانجام خسارت‌های اقتصادی اشاره کرد. در طول جنگ، آذربایجان با قحطی و بحران نان مواجه شد. به علت کمبود غله، نان کمیاب و بسیار نامرغوب شده بود. مردم در شهرهای مختلف آذربایجان از جمله تبریز دست به شورش زدند؛ ولی این شورش‌ها هم دردی از مردم دوا نکرد. با پایان جنگ دوّم جهانی اگرچه پیامدهای آنی جنگ نیز تمام شد؛ ولی پیامدهای درازمدت آن همچنان ادامه یافت؛ به طوری که اشغال آذربایجان به وسیله فرقه دموکرات یکی از این پیامدها بود.

منابع

اسناد آرشیوی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): سند شماره ۲۹۰/۱۷۱۸؛ ۲۹۰/۸۲۷۰؛ ۲۹۰/۲۴۶؛ ۲۹۰/۱۳۸۸۷؛ ۲۴۰۰۳۱۴؛ ۲۴۰۰۱۲۴۳۹؛ ۲۴۰۰۱۹۴۸۵؛ ۲۴۰۰۱۶۶۳۲؛ ۲۴۰۰۳۳۲۷-۱۰۱۰۰۸
اسناد کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام): سند شماره ۱۲/۵۴/۲۲/۱/۲۵

کتاب

ابتهاج، ابوالحسن. (۱۳۷۱). *خاطرات ابوالحسن ابتهاج*. (ج ۱). (علیرضا عروزی، کوششگر). تهران: علمی.
اتابکی، تورج. (۱۳۷۱). *آذربایجان در ایران معاصر*. (محمدکریم اشراق، مترجم). تهران: انتشارات توس.



- اسکرین، کلارمونت پرسپوال. (۱۳۶۳). *جنگ جهانی در ایران*. (غلامحسین صالحیار، مترجم). تهران: اطلاعات.
- اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم*. (ج ۲ و ۳). (۱۳۸۹). (مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، کوششگر). تهران: خانه کتاب.
- اعظام قدسی، حسن. (اعظام الوزرا). (۱۳۷۹). *خاطرات من، یا، تاریخ صدساله ایران*. تهران: کارنگ.
- ایران در اشغال متفقین: مجموعه اسناد و مدارک ۱۳۱۸-۲۴*. (۱۳۷۱). (صفاءالدین تیرانین، کوششگر). تهران: رسا.
- ایران در بحران (مهرماه ۱۳۲۰ - شهریورماه ۱۳۲۶)*: (بر پایه خلاصه اخبار شبانه رادیوهای خارجی و گزارش های روزانه و خلاصه روزنامه ها). (۱۳۷۹). (کیانوش کیانی هفت لنگ و پرویز بدیعی، کوششگران). تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.
- بهشتی سرشت، محسن. (۱۳۹۰). *نقش علما در سیاست، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی*. پاکدامن، ناصر. (۱۳۵۵). *آمارنامه اقتصاد ایران در آغاز جنگ جهانی دوم*. (ج ۱). تهران: دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد.
- جلال پور، حسن و محمدی، امیر (۱۳۹۱). *پیامدهای اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰*، زمستان ۱۳۹۱، سال ۳ - شماره ۹ (۲۳ صفحه - از ۱۵۴ تا ۱۷۶)
- جهانشاهلو افشار، نصرت الله. (۱۳۶۷). *ما و بیگانگان (خاطرات سیاسی دکتر جهانشاهلو افشار)*. (ج ۱). تهران: مرد امروز.
- خان ملک یزدی، محمد. (۱۳۶۳). *غوغای تخلیه ایران*. تهران: انتشارات سلسله.
- ذوقی، ایرج. (۱۳۶۸). *ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ جهانی دوم: پژوهشی درباره امپریالیسم*. تهران: پازنگ.
- ساعدمراغه ای، محمد. (۱۳۷۳). *خاطرات سیاسی محمد ساعدمراغه ای*. (۱۳۷۳). (باقر عاقلی، کوششگر). تهران: نشرنامک.
- شوکت، حمید. (۱۳۸۶). *در تیروس حادثه: زندگی سیاسی قوام السلطنه*. تهران: نشر اختران.
- گذشته چراغ راه آینده است: تاریخ ایران در فاصله دو کودتا ۱۲۹۹-۱۳۳۲*. (ویراست ۲). (۱۳۷۹). (پژوهش از جامی). تهران: ققنوس.
- گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران*. (۱۳۸۱). (بهروز قطبی، کوششگر). تهران: اطلاعات.
- گلشائیان، عباسقلی. (۱۳۷۷). *گذشته ها و اندیشه های زندگی، یا، خاطرات من*. تهران: انتشارات اینشتین.
- مجتهدی، عبدالله. (۱۳۸۱). *بحران آذربایجان (سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۴ ش)*: *خاطرات مرحوم آیت الله میرزا عبدالله مجتهدی*. (رسول جعفریان، کوششگر). تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- مجد، محمدقلی. (۱۳۸۹). *رضاشاه و بریتانیا بر اساس اسناد وزارت خارجه آمریکا*. (مصطفی امیری،

مترجم). تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
مکی، حسین. (۱۳۷۴). *تاریخ بیست ساله ایران*. تهران: علمی و فرهنگی.
مهدی نیا، جعفر. (۱۳۸۲). *زندگی سیاسی ابراهیم حکیمی (حکیم الملک)*. تهران: امید.
نجاتی، غلامرضا. (۱۳۷۸). *مصدق: سالهای مبارزه و مقاومت*. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

مذاکرات مجلس

مذاکرات مجلس سیزدهم شورای ملی، جلسه ۱۶۳، ۱۳۲۲/۰۳/۰۱.

نشریه‌ها و روزنامه‌ها

آذربایجان (روزنامه)، سال ۱، شماره ۱۴، ۲۷ آذر ۱۳۲۰، ص ۹۷.
آژیر، سال ۲، شماره ۱۴۹، ۷ خرداد ۱۳۲۳، ص ۲.
اطلاعات، سال ۱۶، شماره ۴۸۴۴، شنبه ۲۲ فروردین ۱۳۲۱، ص ۱.
اطلاعات، سال ۱۷، شماره ۵۰۳۶، ۶ آبان ۱۳۲۱، ص ۱.
اطلاعات، سال ۱۷، شماره ۵۰۴۸، ۱۸ آبان ۱۳۲۱، ص ۱۹.
ایران، شماره ۱۷۰۳۵، ۱۷ آبان ۱۳۲۱، ص ۲.
باختر، شماره ۲۸۵، ۳۰ فروردین ۱۳۲۳، ص ۳.
روزنامه جودت، فوق العاده ۱۲ شهریور ۱۳۲۴، ص ۱
سعادت بشر، شماره ۹۶، ۸ شهریور ۱۳۲۱، ص ۲.
فریاد، شماره ۴، ۲۱ آذر ۱۳۲۱، ص ۱.
فریاد، شماره ۲۱، ۲۲ تیر ۱۳۲۲، ص ۲.
نسیم شمال، شماره ۲، ۲۶ آبان ۱۳۲۱، ص ۱.
نویهار، شماره ۵۵، ۱۵ مهر ۱۳۲۲، ص ۱.

